

## شب است و چهره میهن سیاهه



**آهنگساز:**  
محمدرضا لطفی

**خواننده:**  
محمدرضا شجریان



**محل ضبط و اجرا:**  
بهجت آباد

**شاعر:**  
اصلاح اصلائیان

این قطعه یکی از نخستین آثار انقلابی محمدرضا لطفی است که در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی ساخته شد و از آن روزهای پر تب و تاب به یادگار مانده است. قطعه یا سرود شب نور در شرایطی ساخته شد که شاه فرار کرده بود و امام خمینی (ره) قصد ورود به کشور را داشت.

با این حال، دستگاه‌های امنیتی رژیم پهلوی به شدت مراقب اوضاع بودند و برخی از هنرمندان شناخته شده در چنین فضای پر مخاطره‌ای دست از فعالیت‌های انقلابی نکشیدند. خانه محمدرضا لطفی در بلوار کشاورز و حوالی میدان انقلاب، نزدیک یکی از کانون‌های اصلی تظاهرات مردمی واقع شده و لطفی شاهد موج اعتراض‌ها و آمادگی توده مردم برای ورود امام (ره) به تهران بود. او که در آن سال‌ها به عنوان یکی از موزیسین‌های حرفه‌ای در رادیو فعالیت می‌کرد به همراه عده دیگری از هنرمندان آن موقع استعفا داد و به موج اعتراض‌ها پیوست. لطفی در یکی از همان شب‌های پرالتهاب بهمن ۱۳۵۷ سراسیمه به خانه برمی‌گردد و در جست‌وجوی قطعه شعری که احوال مردم معترض را توصیف کند به شعری از اصلاح اصلائیان می‌رسد. قطعه شعری که شاعر در بیت اول می‌گفت: «شب است و چهره میهن سیاهه، نشستن در سیاهی‌ها گناهه» محمدرضا لطفی شعر را زیر لب زمزمه می‌کند و سه تارش را بر می‌دارد، ضبط را روشن می‌کند و آنقدر می‌نوازد و می‌خواند تا نغمه و ریتم مناسب شعر را می‌یابد و همان شب آهنگ شب نور در می‌سازد. چند روز بعد از ضبط این اثر، انقلاب به پیروزی می‌رسد و محمدرضا لطفی نوار مادر و اصلی شب نور را به تلویزیون که از طرف انقلابیون تسخیر شده

می‌برد و با عنوان «هدیه اهالی موسیقی» به انقلاب و مردم انقلابی تقدیم می‌کند.



شهید شهید شهید  
راه تو افتخار  
نام تو ماندگار  
ای غمت جاودان عزتت پایدار  
مرگ سرخت خروش روزگار  
ای غمت در دل عاشقان  
خون تو در جهان می‌کشد گلشن  
هر بهار هر بهار



## ایران، ای سرای امید

واسطه شرایط نامتعارف و بلا تکلیفی که آن روزها بر فضای موسیقی کشور حاکم بود هیچ اقدامی برای ضبط این اجرا، به خصوص ضبط نخستین اجرای تصنیف سپیده صورت نگرفته بود. به گفته لطفی تصنیف سپیده برای نخستین بار و به طور کاملاً اتفاقی توسط کیوان، پسر هوشنگ ابتهاج، حین اجرای کنسرت ضبط شده و شرح کوتاهی از این ماجرا روی جلد آلبومی که تصنیف سپیده یکی از آهنگ‌های آن بود، آمده است.

ایران، ای سرای امید/بر بامت سپیده دمید  
بنگر کزین ره بر خون/خورشیدی خسته رسید  
اگر چه دل‌ها بر خون است/شکوه شادی افزون است  
سپیده ما گلگون است، و ای گلگون است/که دست دشمن در خون است  
ای ایران غمت مرصاد/جاویدان شکوه تو باد  
راه ما، راه حق، راه بهروزی است/اتحاد، اتحاد، رمز پیروزی است

ایرانی آباد و آزاد دعوت می‌کرد. او قبل از «همراه شو، عزیز!» تصنیف دیگری به نام «ایرانی» ساخته بود که آن تصنیف هم به مردم هشدار می‌داد که با عبور از روزهای پرالتهاب ابتدای انقلاب همه نیروی شان را برای ساختن ایران به کار بگیرند. در آن برهه تاریخی بسیاری از اهالی موسیقی بر این باور بودند که تصنیف همراه شو، عزیز! نفاق‌ها را به وحدت بدل کرده، این تصنیف که گفته می‌شود مثل بسیاری از سرودهای انقلابی دیگر، در استودیو بل و حوالی بهجت آباد ضبط شده در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۸ برای نخستین بار پخش شد و در شناسنامه آن از فردی به نام «برزین آذر مهر» به عنوان شاعر اثر نام بردند. بعد از چند سال برخی رسانه‌ها از برزین آذر مهر به عنوان نام مستعار پرویز مشکاتیان نام بردند، اما «جعفر مرزوقی» خودش را صاحب اثر دانست و مدعی شد در روزهای خفقان آور سال ۱۳۵۵ با نام مستعار برزین آذر مهر آن را سروده و مشکاتیان تنها «عزیز» را جایگزین «رفیق» کرده است. تردید درباره هویت شاعر اثر «همراه شو، عزیز!» ادامه داشت تا اینکه ۲۵ ده بعد مشکاتیان به طور رسمی خودش را به عنوان شاعر این اثر معرفی کرد.

همراه شو، عزیز! / همراه شو، عزیز!  
تنها نشان به در/ کین درد مشترک  
هرگز جدا جدا/ درمان نمی‌شود  
دشو از زندگی/ هرگز برای ما  
دشو از زندگی/ هرگز برای ما  
بی رزم مشترک/ آسان نمی‌شود  
تنها نشان به در/ همراه شو عزیز  
همراه شو / همراه شو

مرحوم محمدرضا لطفی برای نخستین بار با سه تار، آهنگ تصنیف را در خانه هوشنگ ابتهاج می‌نوازد تا شعری برای آن بسراید. ابتهاج تحت تأثیر شور و حماسه‌ای که در این آهنگ نهفته بود تصنیف سپیده را می‌نویسد، اما لطفی به این موضوع اشاره می‌کند که فاصله نواختن در خانه ابتهاج و سرودن تصنیف سپیده کمی طولانی شد و معلوم است که هوشنگ ابتهاج که در آن برهه روزهای شلوغی را سپری می‌کرد برای تولد این اثر حساسیت فراوانی به خرج داده است. تصنیف سپیده را لطفی شخصاً در شب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ آن را به رادیو برد تا برای نخستین بار پخش شود. پخش این تصنیف شنیدنی در آن روزهای پر مخاطره مثل توپ ترکید و همه شهر صدایش را شنیدند. استقبال عمومی از این تصنیف، لطفی و شجریان را برای اجرای آن در نخستین کنسرت‌ها به صرافت انداخت و اینگونه بود که آذر سال ۱۳۵۸ برای نخستین بار در دانشگاه ملی (شهید بهشتی) اجرا شد و لطفی به عنوان آهنگساز و گروه شیدا در نخستین اجرا حضور داشت، اما به

<b>آهنگساز:</b> محمدرضا لطفی	<b>خواننده:</b> محمدرضا شجریان
<b>محل ضبط و اجرا:</b> دانشگاه ملی سابق (شهید بهشتی)	<b>شاعر:</b> هوشنگ ابتهاج

تصنیف سپیده که با عنوان «ایران، ای سرای امید» بین عموم مردم شناخته می‌شود، یکی دیگر از آثار انقلابی و ماندگار محمدرضا لطفی است که دست بر قضا با خوانندگی محمدرضا شجریان ساخته شد و محبوبیت عجیبی بین مردم پیدا کرد. طبق روایت،



## همراه شو، عزیز!

این سرود در نخستین سالگرد پیروزی انقلاب و با صدای محمدرضا شجریان روانه بازار موسیقی شد، اما آن را می‌توان در زمره سرودهای انقلابی و حماسی قرار داد. پرویز مشکاتیان در کنار شجریان و لطفی، یکی دیگر از چهره‌های شناخته شده موسیقی سنتی ایران بود که با خلق آثار انقلابی ماندگار در بحبوحه پیروزی انقلاب به عنوان آهنگساز انقلابی نامش را مطرح کرد. او با ساخت تصنیف جاودانه «همراه شو، عزیز!» جایگاه خود را بین آهنگسازهای انقلابی تثبیت کرد و این تصنیف که در ماه‌های ابتدایی پیروزی انقلاب ساخته شده بود در شکل گیری اتحاد عمومی برای ساختن ایران پس‌پهلوی نقش مؤثری داشت. مشکاتیان با ساخت این تصنیف، رسیدن روزهای روشن را نوید می‌داد و مردم را به ساختن

<b>آهنگساز:</b> پرویز مشکاتیان	<b>خواننده:</b> محمدرضا شجریان
<b>محل ضبط و اجرا:</b> بهجت آباد	<b>شاعر:</b> پرویز مشکاتیان